

درس هفتم: تفسیر سوره بقره آیه ۱۴۲

(به زودی مردم کم فرود خواهند گشت: چه چیزی آن ها را از قبله ای که بر آن بوده اند روی بران کرد، بگو مشرق و مغرب از آن خواست هر که را خواهد)

به راه راست هدایت می کنند این عرب در تفسیر این آیه می گوید هر کسی حقیقت بین اسلام را مدت نکند کم فرود است چون او سبب معز

است و او را از قبله از استقبال روی آمدن گرفته شده است قبله معنی هر جهتی است که انسان به آن رو کند و لاه عن به معنی صرفه عن

(روی نمرگانی از چیزی) می باشد. معنی پیامبران گذشته به سوی بیت المقدس نمازی خواندند. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به دستور خداوند

و به محتی طولانی به سمت بیت المقدس نماز خوانده است. ولی این آیه از روی می نرشد که ای کاشی خواندند قبله را به کعبه تغییر دهد و خواندند استقبال از روی

ایشان را بد کرده کرد که شرح آن به زودی خواهد آمد. منظور از سخنانم ضلالت یهود است) چون یهود بیان هستند که برگشتند مسلمانان از بیت المقدس

به کعبه را در حین نماز بر آن ها عیب گرفتند و او را (ساقول) به زودی خواهند گفتند) ظاهر بر این نکته دلالت دارد که خواندند سبحان پیش از آن که

مسلمانان از بیت المقدس روی برگشته گفتند کم فرود است (در مورد مسلمانان)

به پیامبر اکرم (ص) اعلام کرد . اما الفتنه بر منی ها معینی بر این نه و اثره (سعی و خواهش گشت) ظاهراً به شکل استقبال (و بسین در ابتدای بقول آمده)

دلی متصور از آن گذشته است و همانند در این آیه پیامبر شی را پس از گفته کم فردان و نه پیش از گفته آنان . مغایرت قرار داده و این

واژه به صیغه مستفصل آمده تا اشاره ای باشد به این که گفته آنان در تفسیر و مورد انتظار است ، لیکن این گفته تنها تا دلی ظاهراً

و بدون دلیل موجه است . به هر حال فرمودند سبحا پیامبر اعظمش حضرت محمد (ص) را امر کرده است که به این کم فردان این گونه پاسخ دهد

(مشرق و مغرب تنها از آن خواست ، خواهی که بخواهد به راه است هوایت می کند) این جوین معناست که جهت ها هگنی از آن

خواست و کعبه و بیت المقدس نزد خوانندگان است . اما طاعت و مصلحت می طلبد که از زندگانی هر که را می خواهد گاهی به بیت

المقدس هوایت کند و گاهی به کعبه . اما چرا جایز به بیت جهت مسخض نماز بخوانیم ؟

بیت کعبه هست که ضلی ها مصرح می کنند و آن این که چرا باید به بیت جهت مسخض نماز بخوانیم و چرا با وجود این که میدانیم خوانند

سبعان هم جاهست و صراحتاً در قرآن فرموده است (مشرق و مغرب  
از آن خواست، پس به هر سو رو کنید آن جا روی خواست) ولی

نماز تنها به سمت کعبه صحیح است؟ در پاسخ این سؤال باید بنویسیم:  
اولاً خواندن سبعان حقیقی می فرماید: (پس روی خود را سمت

مسجد الحرام کن و هر جا بودی روی خود را به سوی آن بگردان) این  
آیه تفسیر آیه ۱۱۵ بقره است. منظور از آیه ۱۱۵ سوره بقره

روی نمودن به هر جهتی در نماز مستحب است که فرد نماز را در حالت  
راه رفتن و سوار بر مرکب می خواند و نیز نماز متعیر است که فرد جهت

قبله را نمی داند و منظور از آیه ۱۴۴ سوره بقره روی نمودن (به مسجد الحرام)  
در نمازهای واجب است.

دوماً: درستی نماز منقطع به وجود دستور از خواندن سبحا است. بر  
اساس این باید ببینیم: آیا دستور نماز به هر جهتی که

ما می خواهیم، واجب است یا به یک جهت خاص؟ اگر جهت نماز خواندن  
مشرقی نکند، نماز به هر جهتی که باشد صحیح است و نیز نماز تنها

به آن جهتی که ما مورد شکی در دست است. حال این جهت، چه لعب  
باشد، چه بیت المقدس یا غیر این دو است به عبارت دیگر سوی از

این دستوریه ساله است و وجود خود هر جا و مکانی ساله ای  
گیر است ...

عبادت به تعبیر فقها جزو (امور توقیفیه) است یعنی مفروضه بیا  
خواهند از زبان پیامبر ص است و جای شک و اجمال در

آن نیست و نه چیز دیگری جز نفس صریح و صریح (قرآن) ... خواهد  
در ابتدا مسلمانان را امر کرده است که به سوی بیت المقدس

نماز بجا بیاورند و اگر آن ها به سمت کعبه نماز می خوانند خود نمازها مورد  
قبول واقع نمی شد . سپس به آن ها دستور داد که سمت کعبه

بگردند و اگر آن ها پس از آن به سوی بیت المقدس نماز می خوانند  
با وجود این که کعبه و بیت المقدس هر دو از آن خواست

و دستور آن هم از جانب خداوند است باز هم نماز آن قبول واقع  
نمی شود . دلیل آن هم این است که معیار قبولی نماز پذیرش

دستور با تمام اجزاء و شرایطش می باشد ، همان صورتی که معیار عموم قبولی  
مخالفت نمی کند از آن دستوری باشد .

و زمان درس هفتم

۱- الأسماء: موت و زمان، غایت و نهایت

۲- الأسماء: كبر و صغر، كبر و صغر، كبر و صغر

۳- الأسماء: مصدر أوصى: إياها و إياها

۴- المقترَّب: مورد انتظار

۵- تارة: صفتی، زمانی

۶- يُرَدُّ دُكًا: كبر و صغر، كبر و صغر

۷- الاتِّجَاه: (اصل این كلمه اوتجاه است) روی كبر و صغر، اتجه الى كذا  
به سمتش روی آورد

۸- المَجَال: موضع كُشت و كُذار، محل انتصاب (زمینه)

سؤالات درس هفتم

۱- معنی نفیع از دیدگاه ابن عربی چیست؟

۲- الفهماء (که فردان) در کتب شریفه زیر چه کسانی هستند؟

سَيَقُولُ الْفُهْمَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ آلَئِي كَانُوا أَوْلِيَاءُ

۳- از دیدگاه مصنف چه زمانی قبله تغییر پیدا کرد؟ پیش از لفته سفها یا بعد از آن؟

۴- مرا با علم به این که خواهم جاهل هستم باید نماز را به یک جهت معین خواند؟

۵- معنی این عبارت چیست؟ عبارت جزء امور توقیفی است

درس هفتم: تقسیم سوره نساء آیه ۳۱

۱) اگر از گناهان بزرگی که از آن بخی شده اید، اجتناب کنید، گناهان کوچک شمار می پوشانیم و در جایگاه خوبی شمار وارد می سازیم.

تعلیل و اثر گانفی: مفرد کبائر، کبیره است و منظور گناه کبیره است. بدخل با میم مقنوم، آنرا بدخل و با میم مفتوح، از دخل می باشد که

در هر دو صورت اسم مکان بوده و منظور از آن بهیست است. ۲) تعلیل اعرابی: مفعول فیه است برای (توفلکم) چرا که منظور از آن

مکان بوده و آن مکان بهیست است.

معنی: قرآن کریم گناهان را به دو قسم تقسیم کرده: گناهان کبیره و گناهان صغیره. این تقسیم بندی در بسیاری از آیات آمده است، از جمله همین آیه. چرا که

منظور از (سیئاتکم) که آیه (تلفر عنکم سیئاتکم) بنا به اتفاق، تفرقه مقرران، گناهانی به جز گناهان کبیره (گناهان صغیره) است و معنی آن بدین

شرح است: کسی که از گناهان کبیره دوری کند، گناهان صغیره وی را می پوشاند. از موارد دیگری که قرآن گناهان را به صغیره و کبیره تقسیم بندی کرده

است عبارت است از: (الذین یجتنبون لبائر الاثم والفواحش الا اللهم)

هنگامی که از گناهان کبیره و اعمال زشت ما جز صغیره ، قدری بگذرد  
منظور از اللهم همان گناهان صغیره است.

(و کفر و بلیه کاری و سرکشی را در  
خطر تان ناخوشایند ساخت)

این کیم صراحتاً بیان می کند که مواردی که در دست اند کفر یا  
هنگام مجرم و انکار ، فسوق یا افعال گناهان کبیره و عصیان یا گناهان

صغیره است) اما این که برخی ها می گویند : تمام گناهان کبیره اخذ و صغیره  
ای در کار نیست ، چون نافرمانی خود هر چیزی و چه هر چیزانی

گناه کبیره است ، در روشنی می شود که این سخن مخالف ظاهر قرآن  
است ، مصداق بر این که قانون مورد اجرای دولت (بیت)

گناه را به جرم و جنایت تقیم بندی کرده است) (۹) می توان گناهان  
صغیره را به صورتی که اشاره خواهیم کرد ، تقی کنیم .

به هر حال قرآن کرم حواصلی را میان گناهان کبیره و صغیره قرار داده  
(و به همین دلیل است که فقها در معنای کبیره اختلاف نظر دارند و خود

نوعی معتقدند هر چیزی که در قرآن مقول با تعدید است ، آن گناه  
کبیره است و غیر آن ، آن ها گناهان صغیره است) (بجترین معنی)



بهترین سخن این گفته است که می گویند تمام گناهان فی نفسه کبیره اند. هم چنین گفته شده است هر چه کی گناهان صغیره را از اساس

تقی کرده است. گناهان تنها در مقایه با یک دینیه صغیره و کبیره تقیم شده است. برای مثال: نگاه کردن به زن نامحرم با نگاه

به نگاه افتادن، فی نفسه کبیره است اما نگاه کردن در مقایه با بوی او صغیره است و بوی او نیز در مقایه با همبستری با او صغیره

است. همچنین غذا خوردن بر سر سفره ای که شراب می باشد فی نفسه نگاه کبیره است و در مقایه با خوردن شراب صغیره است.

شایان ذکر است که به تعبیر فقها اذت، بوابق، شراب و انگیزه های انجام دهنده نگاه تاثیر به سزایی در تقسیم بندی نگاه به صغیره

بنابر تعبیر فقها ~~۱۴~~ و کبیره او بنا بر تقسیم بندی قانونی ~~لذا آن جوید تاثیر سزایی در جرم بود یا جنایت بودن دارد~~ ~~۱۵~~ ~~که گناهان را به کبیره یا صغیره~~

تقسیم بندی کنیم باید به انجام دهنده آن نگاه کنیم و این نه یا از روی عدم بصیرت و منفعت اراده نگاه را انجام داده یا این که فرد گمراه و گناهکاری،

مسأله را برای او میباید یا به خاطر نیاز شوید، این کارها انجام داده و یا این که فرد گناهکار، عاشق تو هستی به مردم است همچنان که این کارها

کار و بیست بیماری از افرادی باشد... از بیست و هفت (هفت) بسیار نقل شده است که ایشان فرمودند: بهر سببی که اعمال و کارهای

انسان به نیتها وابسته است و هر شیئی نیتی دارد. هیچ گناه صغیره ای با شکر صغیره نیست و هیچ گناه کبیره ای با استغفار کبیره نیست.

از امام صادق (ع) نقل است: دوزخیان و جهنمیان جاودان شدند چون آن ها نیتشان به این بود که اگر مرد دنیا جاودان بودند

تا ابو خواله نافرمانی گفتند جهنمیان نیز در جهنمست جاودانند و چون نیت داشتند که تا ابو خواله اطاعت کنند و پیمان است که

دوزخیان و جهنمیان جاودان شدند.

واژگان درس هفتم

۱- لا یغادر: ترک نمی کند و باقی نمی ماند

۲- اقرار الذنب: اقرار گناه

۳- المراتع الوضعیة: مذهب مادی که ماوراء الطبیعه و انکار می کند

۴- الجبریم: هر کاری که بشود قانونی دارد.

# لغات درس هشتم

۱- لا یغادر: ترک نمی کند و باقی نمی ماند

۲- اعتراف الالب: انعام با من گناه

۳- الشرائع الوضعية: مواهب مادی که ماوراء الطبیعة است اما برای لذت

۴- الهربیه: حرم (هرکاری که بپسند قانونی دارد)

۵- الخبثه: (حرم هم) حرمی که معاصات آن ضعیف است مانند

۶- الجنایة: حرم زیاد (کاری که معاصات بسببش هم جو اعدام یا اشتغال  
بافعال سفت دارد) <sup>افعال</sup>

۷- التظریریه (فی اصطلاح الفقه) نظر با قوف وقوع در قفسه و حرام

۸- الظروف: حالات / احوال

۹- الدوافع: جمع الدافع: آن چه دفع می کند انسان را به عملی  
و می رساند او را به آن کار (التلبیه)

۱۰- المسرع: قانون نوار، واضع قانون

۱۱- العود: جمع هوید و بر کسی قدیم

۱۲- الفطنة: هوشیارنا، فهم و آگاهی، زیرکی

۱۳- الغاوی: همراه کننده

ادامہ لغات عربی



۱۴۔ الأسم: كفاها

۱۵۔ حاجت مانگنے: حاجت منہم

۱۶۔ المولع: ميار علاقتہ، توثیق شدہ و تقریب شدہ  
بہ چیز (شبیقتہ چیز) علاقتہ

سوالات درس هفتم

۱- منظور از سیئات و لیتم در فرقان کرم چیست؟

۲- منظور از کفر و فوق و عصیان در آیه (و تیره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان)

۳- منظور از لباث و صغائر ایتاقاب آیه دیگر چیست؟ مثالی ذکر کنید.

۴- دلیل جاودانگی اهل کتبی در جهنم و بهشتیان در بهشت چیست؟

### درس پنجم: قرب به خدای متعال

اهداف درس:

دانشی بهره در پایان درس باید

۱- انواع قرب الی و شرایطی را بشناسد.

۲- بهره‌های مردم در دریافت راهی بیداری کند

۳- حقیقت و هدف حرکت نفس را بشناسد.

مقدمه

شایسته است انانی از بهر طرف که در بیماری‌های روحی خود، برای تسکین و ترتیب روح خود بکوشد تا در سیر و سلوک الی الله بتواند با سرعت

بیشتری کام بر دارد و چو طبیعت نفس بر ما دائم در حرکت است پس باید در صراط مستقیم حرکت کند یا به سمت راه کبراهی، منحرف نگردد.

از آن جایی که مقام قرب من الله غایت و نهایت آندهاست پس کسی که این قرب را هدف قرار می‌دهد باید برای تزکیه و پاک‌سازی روح خود تلاش کند.

چون هیچ قربی بدون تزکیه امکان ندارد. بنابراین بنده هر چه قدر بیشتر روح خود را تزکیه نماید، به درجات بالاتری از قرب دست می‌یابد و اگر بنده

در مسیر قرب پیشرفت کذب تمام احواف خود را دیده است و او  
موفق به ترکیب روح خود و تقدیر آن شده است.

انواع قرب

قرب انواع متعددی دارد، از جمله

۱- قرب مکانی و عبارت است از نزدیکی دو چیز به یکدیگر از حیث مکانی

۲- قرب زمانی و عبارت است از نزدیکی دو چیز به یکدیگر از حیث  
زمان و فقط مقصود از تعبیر قرب من الله این دو نوع قرب نیست

۳- قرب مجازی؛ مانند این که بگوئیم فلانی به فلان شخص نزدیک  
است به این معنی که او آن شخص را دوست دارد.

۴- قرب حقیقی؛ شش چهارم قرب است که با موارد پیشین فرق  
دارد. معنای قرب حقیقی از طریق تقی بگری مشخص می شود

از این جهت که این تقی در حرکتی پیوسته، حقیقی و واقعی است  
از این رو تقی بگری باید در این حرکت خود بر قضا مستقیم،

به مقام قرب برسد. بنا بر این قرب بچین معناست: تکامل و  
ارتقای معنوی و روحی و رسیدن به آن درجات عالی در مسیر

ملوکش به سوی خالق متعال. خواهند می فرماید: (نامه اعمال نیکنان  
در عین است و تو هم میدانی عین چیست؟ نامه ای است که  
فرزده زده و بر نوشته است قلمی که مقرران شاهد است)

عجازه شناخت معنای قرب ما به قرآن کریم مراجعه می کنیم تا مقربان را بشناسیم در قرآن می بینیم که انسان مادر روز قیامت به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- یاران دست راست: و تنها این ها هستند و این ها کسانی هستند که (در نامه اعمالشان) برای آن ثبات از عذاب نوشته شده است.

۲- یاران دست چپ: و تنها این ها بیچاره اند و این ها در آتش عذاب می شوند.

۳- سبقت جوان: و همان ها هستند که به درجه قرب الهی دست یافتند خود را وند متعال می فرمایند (و شما به دسته خود یاران دست راست که آمدند و یاران چپ که آمدند؛ یاران چپ و سبقت گیرندگان مقدمند بر آنان اند همان مقربان) (خواری)

شرایق قرب  
انسان برای این که به درجه قرب برسد باید شرایط قرب را فراهم کند که عبارت است از معرفت و ایمان.

پس معرفت و ایمان به خداوند متعال، این دو اساس و پایه تکامل و قرب الهی است. کسی که هوف و سر نوشت نهایی خود را نمی شناسد



و به آن ها امان بخورد، در واقع هیچ تلاشی برای تزلزل و قرب به خود منتعال  
یعنی کندوبه تبع آن در مسیر صراط مستقیم گام بردنی دارد.

چون انسان در دنیا و در این مسیر گام برنواشته بنا بر این که عزت  
نیز اجازه عبور از (پس) صراط را نخواهد داشت.

خداوند متعال می فرماید: خوا (رتبه) کانی از شما که گمروید و  
کانی را که دانستند (بر حسب) درجات بلندتر ماند و خوابه آن  
چه می کنند نگاه است.

و می فرماید (پس) ای آن کسی که نونلسار راه می پیماید هوایت یافته  
تر است یا آن کسی که ایستاده بر راه راست می رود.

کسی که آخرت را نمی شناسد و بدان ایمان ندارد به طور قطع برای بهودن  
صاف در مسیر صراط مستقیم کوششی نخواهد کرد، بلکه از این مسیر

گمراه نیز نخواهد شد. و هر کسی در دنیا از این مسیر گمراه شد در آخرت نیز  
از این مسیر عبور نخواهد کرد. بنا بر این است که باید برای تقویت

ایمان و اقرایی عملی تلاشی نماید تا در مقام قرب، به شرفت بیستری  
کند.

خداوند متعال می فرماید:  
(و به راستی کانی که به آخرت ایمان دارند از راه درست سفت  
مخبر کنید)

ن  
برای قرب سره سوی هست، و کن عمل همراه با ایمان است. اعمال انسان  
آن همراه با ایمان نباشد و لو این که عمل صالحی همراه آن حیات طیبه را به

همراه نخواهد داشت. چو ایمان شرط اساسی رسیدن انسان به حیات طیبه است  
(هر کسی از سر دیارن کار شایسته ای کند و مومن باشد قطعاً او را باز زندگی

یا گزینه ای حیات (حقیقی) بفهم)

اعمال شایسته و پسنیده در جایگاه هست باقی نمی ماند بلکه به سوی خوفند  
متعال، یعنی مقام قرب، بالاسی رود.

خوافتند متعال می فرماید: (سختان یا گزینه به سوی او بالاسی رود و کار شایسته  
به آن رفعت می بخشد)

بنابر این، ایمان به معاد و خوافتند متعال و شناختن آن ها، انسان را م  
رسیدن به مقام قرب الهی یاری می سازد و کسی که نفسش را از خود بی

گناه و لغزش های اخلاقی پاک کند می تواند به درجات قرب  
بدرسد پس برای کسی که اراده مقام قرب شدن را دارد، اثر ترکیه

اساسی است.

انواع و مراتب تقرب

برای تکامل رسیدن و ترقی نفسی و روحی به مقام تقرب الهی  
باید از سطوح و مراتب استغاثه گذر کرد که در درس‌های

گرفته به هم تری آن ها اشاره خواهیم کرد این عبارت عبارت  
است از:

۱- سعادت راه‌ها و موانع رسیه (به قرب)

۲- یادخوا

۳- اخلاق و آلا و نهی‌ها

۴- عمل صالح، نماز واجب، نمازهای مستحب و غار سب

۵- جهاد و شجاعت

۶- زکی و عفت به مردم و دیگر موارد که ان شاء الله به زودی  
بخوان می‌پردازیم.

خلاصه درس

ترب انواع مختلفی دارد. منظور از قرب الهی تکامل نفسی در مسیر  
به سوی خداست.

هدف از تربت انسان در زندگی با قرب به خود نسبت است  
تربت و تربیت نفسی برای قرب به خداوند متعال شرط است.  
منظور از قرب تکامل معنوی نفس و ارتقای روحی آن است  
انسان ها در رتبه قیامت به سه گروه دست راست یاران دست  
چپ و مقربین تقسیم می‌شوند.

### درس دوم: راه های رسیدن به خودشناسی

اهداف درس

دانش پژوه باید در پایان همین درس بتواند:

- ۱- راه های رسیدن به خود را بشناسد
- ۲- کارهایی را که به رسیدن به خودشناسی کمک می کنند به خاطر بسپارد.
- ۳- موانع رسیدن به خودشناسی را بشناسد.

مقدمه

یکی از شناخته شده اهمیت قریب به خودشناسی و متعالی و ضرورت تلاش برای رسیدن به این مرحله را باید یاد کرد و گویم که تنها از راه هایی می توان به این مرحله دست یافت که با پیروی از آن ها از انحراف در امان می مانیم و رفتار ما را در مقیاس تفهیم می کنند.

۲

کسی که می خواهد در درجات قرب به خوافتد متعال پیشرفت کند و نفس خود را  
ترتیب نماید و به مقام عالی دست یابد می تواند از این راه ها استفاده کند

۱) تفکر و برهان : تفکر در برهان هایی که بر پایه وجود خوافتد متعال استوار  
است ، می تواند کامل گشته کفایتی است که در قرب به خوافتد سبحان بار

برهان هایی که کتاب های حکمت ، عرفان و لغام از آن بهره گرفته ، ثابت  
می کند که تمام بدیده های هستی منقول و در وجود خود نیاز مند به

واجب الوجود (خوافتد) است که منتهای کمال و بی نیازی در ذات  
است .

خوافتد متعال می فرماید (ای مردم! شما به خوا نیاز مندید و خواست که بی نیاز  
و ستوده است)

۲) تفکر بر نشانه های الهی : به عقیده قرآن ، یکبارگی بدیده های هستی  
مشتمل است بر نشانه هایی که بر وجود خدای خدایی که شناختیم

دلالت می کند به همین دلیل ، قرآن که همواره تفکر در آیات هستی دعوت  
می کند . از این باب که تفکر در آیه سارا در فرو رفتن و سیر در طریق

کامل یاری کننده است ، خوافتد متعال می فرماید : (همان ها که خواران همه  
احوال مالیت داده و شسته و به جلو کشیده اند و بی نیازی نشدند

در قرینگی انسان ها قدوس می اندیشد و می بیند که با این عالم استخوان  
فریده ای، مقرر می نویسد ما را از خواب آلودگی بیدار کند (۸)

(۳) عبادت و عمل صالح و عبادت و عبادت هزاران سال است  
عبادت و اعمال صالح است کمال بیشتر ایمان می شود هر چه ایمان

کامل هر چه مقام قرب نزدیک تر می شود. عمل صالح با ایمان بالا می رود تا به  
مقام قرب الهی برسد. خوانند متعال می فرماید (۲)

در سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و کارش ایمان به آن رفعت می شود  
(۴) اذکار و ادعیه: همانا ذکر و دعاها جزو عبادت محسوب می شوند و تکرار آن

و روایات بسیار بر آن تاکید کرده است. از رسول خدا (ص) منقول است:  
(وقتی مرا شبانه به آسمان بردند، او را دیدم که در سجده است و می فرستد

با آجرهای طلا و نقره بنا می سازند، و گویی اذکار کمین متوقف می شوند  
به آن ها گفتند هر از زمانی می سازید و زمانی اذکار متوقف می شوید

آن ها گفتند: زمانی که مصالح آفتاب برای ما بیاید، شروع به ساختن  
می کنیم. به آن ها گفتند: مصالح آفتاب چیست؟

آن ها گفتند: اذکار سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله، والله اکبر مومن  
در دنیا. اگر مومن در دنیا این اذکار را بخواند ما می سازیم و اگر نخواند

از عمل متوقف می شود. (۹) از ایمان نقل است که فرمودند  
(هر که بخواند سبحان الله، ما خوانند با این ذکر برای او درختی در بهشت

۴  
۱۸  
می کارده سردی از قریبی گفت: ای رسول خدا! (تبار این)  
مردخان مادر بچسته بسیار زیاد است

۹  
۱۰  
دیامبر (ص) فرمودند: به امامان و ائمه برای آن بفرستید و آن را بوزانید  
چون خوانند عزوجل می فرماید (ای کسانی که ایمان آورده اید) خوارا

۱۱  
اطاعت کنید و اعمال خود را منابع و باطل نبردارید هر کس می که بفرستد  
خود و تسبیح خواند متعال را داشته باشد ذکر معسوب می شود

۱۲  
۱۳  
هر چند احادیث بر اذکار خاصی تصریح کرده است. اما این که بر همین  
اذکار نیز تاکید شده است از رسول خدا (ص) نقل است

۱۴  
که فرمودند: هر چه تمام اذکار، لا اله الا الله است. اما می توان  
این گونه گفت که هدف از ذکر، تباریش انسان به سمت خوانند

۱۵  
متعال است و در این موضوع شکی نیست فردی که بچوست  
به ارت می بود به جایگاه قرب من الله دست یافته است

۱۶  
و هر ذکر که (انسان را) بیشتر به هدف برساند برای ذات خود  
بجتر است. ۱۲

از امور که گفته در رسید (به خوانند متعال)

۱۷  
برخی از اهل معرفت به کارهایی توصیف می کنند که هر قدر از آن میسر  
(به سمت خوانند) نیز یاری گیرند انسانند و به دوغش

کتاب فاضل و ترک گفتن تقسیم می شوند:

اول: غسل تقیه و توبه سجود و استغفار به شکر دانی و مستغفر  
خواهند متعال می فرماید: خواهند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد

دوم: سعی کند خود را در معرض فواید و در هر حالت به یاد خوا باشد  
و هیچ وقت از او غافل نباشد یا نمی دانند که خواهند آن چه را

نویسد می دارند و آن چه را که می گویند می دانند. ۱۴

سوم: همیشه دائم العزوبار است، نماز شب بخواند و ذکر یا می یا قیوم  
یا سن لا اله الا انت را تکرار کند. ۱۵

چهارم: در زمان آیاتی از قرآن را با حضور قلب بخواند و در معانی آیات  
تفکر و تدبیر کند. ۱۶

پنجم: هر روز سجده ای طولانی به جای آورد و در آن ذکر لا اله الا انت  
بجانت انی كنت من الظالمین را تکرار کند. ۱۷

ششم: سفری که نماید ای تر آن نیست، ترک کند

هفتم: هر هزار خورین و نوشید و ... اصنافه از هر صیغی متعادل

هشتم: ترک معاشرت با افراد ناکلن تا اهل و هم که که مقرب  
خواهند سبحان نیست.



بفهم ترک زیاد روی در خواب و تلاش برای استفاده از وقت  
تو آن چه که خستیدی خواهد شد آن است

شردمی تواند این کارها را به حدت ۴۰ روزتسار کند و باید در هر روز  
سیر و رسیدن به در میم قرب من الله به شک سریعتر  
و بهتر او را کند (۱۷)

(موانع رسیدن به خوا)

در میم (در رسیدن به خوا) موانعی هست که سالک باید برای برطرف  
کردن آن تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرد و کمتر هرگز به

هدف نمی رسد ما برخی از این موانع را ذکر کنیم .

موانع ثقت: محوم قابلیت قلب: ملائکه رحمت نمی تواند به قلبی نه  
آلوده به گناهان و عسیت هاست وارد شود ثقی با

عسیت با بر عسی میم مورد نظر صریحت می لند. ثقی ناچار  
باید با توبه از گناهان و خطاها پاک کرد تا این ثقی

با دریافت فیوضات و انوار الهی بری

خواهند متعالج توانا کرد (۱۹)

(ام صادق) می فرمایند: اگر انسان گناهی مرتکب شود در  
قلبش نقطه سیاهی ظاهر می شود که در صورت توبه برطرف

(۵۳) ۵

(۵۱) ۷

کما یدد و انهم لبقاها نشی زیاد در این نقطه ها زیاد می شود تا این که  
عما قلبش را فرامی گیرد که در این حالت هرگز دستش را نمی شود  
(یعنی تواند نقطه های سیاه را از قلبش پاک کند) ۱۹

۲۰

مانع دوم: دل بستگی های دنیوی و مادی: مانند مال، ثروت، خانه  
مقام و دیگر وسایل دنیوی.

و این دل بستگی ها و به معنی دقیق تر حب دنیا، هر منشا تمام خطاهاست  
اکثر این دل بستگی ها ما را مغولم خود کند موجب فراموشی ما از یاد

خدا و فراموشی ما از رفد حساب و کتاب در برابر خداوند متعال می شود  
(یا مبر (ص) می فرمایند: اولین چیزی که خداوند تبارک و تعالی را ناخوشی

۲۱

می کند و بی رحمی کرد: حب دنیا، حب ریاست، حب زن، حب خوا  
حب خواب و حب راحت قلبی و نیز می فرمایند: مرد بی بینی

ایمان را در قلبش احساس نمی کند عمر زمانی که به زرق و برق دنیوی  
بی توجهی کند.)

۲۲

مانع سوم: پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی: همانا کسی که  
سبب عرفد برای ارضای عوارض و تمایلات خویشی تلاش

می کند نمی تواند به سمت مقام قدس الهی برود و بالا برود.  
خداوند متعال می فرماید: از هوس و پیروی کن که تو را از راه خدا

مانع کند)

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: **شجاع ترین مردم کسی است که بدین تفهیمش تعلیم کند** (۲۲)

**مانع چهارم:** پرهیز کردن از غذا: چو این امر مانع عبادت مادی توکل و تضرع (کثره زاری) می گردد.

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: **اگر خوانندخواستار اصلاح بنده اش باشد کم گوئی، کم غذا بی و کم خوابی را به او العمام می کند.**

از امام ابی عبدالله (علیه السلام) نقل است: **خوانند از پرخوری بپزار است** (۲۳)

**مانع پنجم:** سخن غیر ضروری و بی فایده (در سخن گفتن از غیر خود زیاده روی نلیند چون زیاده روی در سخن از غیر خود انسان را بسخت دل می کند و فقیرترین مردم از خود فرد گندل است)

امام رضا (ع) می فرمایند: **از نشانه های فقر: بردباری، علم و سکوت است** دو سکوت یکی از ضرب های حکمت است **سکوت حلیه محبت می کند و بیسوی تمام خوبی هاست**

**مانع ششم:** خود بینی: **سالک الی الله باید حسب خوانند را جابلقین خود بینی کند و تمام افعال خویشی را با انگیزه رضای الهی انجام دهد** بنابراین او خودی خود چون خوانند اجازه ادامه زندگی به او داده همچنان که کلمه نماز خواندن دستور

Subject

Year Month Day

مانع هفتیم! ضعف اراده: و عدم توانایی در تقسیم نیروها که این امر مانع آغاز کردن کار می شود و شیطان مجربانه برای تقویت

اراده ماتلاشی می کند و (برای انسان) بیایست رادشوار به تقویر می شود یا بسوء الی اللہ را غیر مطلوب معرفی می کند و یا اهمیت را

بیایست خیالی خالی از مفهوم می دهد و راه حل این مشکل تنها با تقویت اراده ای است که نیازمند مجاهد و فداکاری می باشد همان گونه

که خواننده متعال می فرماید (و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم)

خلاصه درس:

چند روش اساسی وجود دارد که مالک می تواند با استفاده از آن به مقام قرب الهی دست یابد.

تفکر بر برهان ها به این حقیقت تاکید دارد که همگی و همه چیز نیازمند خواننده متعال است.

تفکر در شأنه های هستی انسان را به سوی فواید بلند مرتبه سوق می دهد.

ذکر از همه ترین کامل اصلی است که انسان را در مسیر تکامل پیش می برد.

عبادت در قرآنی ایمان و زیاده حصول معرفت تاثیر خدا  
است.

از موانع رسیدن به مقام قرب :

- عدم قابلیت قلب که توجه به نگاه

- دل بستگی به مادیات مثل مال و...

- پیروی از هوا و هوس و شهوات

- پر خوری تا هو و کثرت خوردن و کثرت سعه

- زیاده نویی های بی فایده

- خود خواهی و هموردیدن به لذت های حیوانی

- ضعف اراده

سوالات درس هفتم

⑤

۱- منظور از سیئات ولهم ترفیقان کرم چیست؟

۲- منظور از کفر و فسوق و عصیان کدام است (و نیزه العلم الکفر والعسوق والعصیان)

۳- منظور از کبائر و صغایر به عقاید بایسته چیست؟  
مثال بزنید.

۴- دلیل جاودانگی اهل آتش ~~و جهنم~~ چیست؟

در جهنم و جهنمیان درجهت چیست؟

رضی

درس یازدهم : ذکر خوافند سبحان

اهداف درس

دانش پیروان باید در پایان درس بتواند

۱- حقیقت ذکر را شرح دهد و انواع مراتب آن را شرح دهد

۲- راه های پیشرفت انسان در مراتب ذکر را بیان کند

۳- دل بستگی اش به ذکر خوافند از طریق شناخت بهار این ذکر  
اغراضی یابد

مقدمه

ذکر خوافند مهم ترین وسیله برای تکمیل تقوی و برای حرکت به سمت  
تقرب به خوافند سبحان است. سیر و سلوک الی الله با ذکر

خوافند متعال آغاز می شود و بیست و نهمین چیزی که به سالک در می آید  
این مسافت کمک می کند تا او هم بر ذکر خوافند متعال است. به همین دلیل

است که قرآن کریم بر حقیقت ذکر تاکید می کند و می گوید: ای کسانی که  
ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خوافند (به دل و زبان) بسیار کنید

در نامه ای از امام صادق (ع) به یاران اشرفین آمده که ذکر خوافند را نامی توانید  
در تمام ساعات شبانه روز بسیار بگوئید، چون خوافند دستور

به یاد می ذکر داده ، و خواننده یاد مؤمنانی است که او را یاد می کنند  
و بدانند که هیچ کس مومن نیستند و خواننده یاد کند کمتر این که فوا از او

به نیکی یاد کرد) و به دلیل اهمیت ذکر و پی از (روشنی) در  
این مطلب) که ذکر یکی از مهم ترین عوامل تک کتبه برای

رسیدن به (خواننده) است ، درسی منقلی برای ذکر قرار دادیم  
متظور از ذکر چیست ؟

مانا چار باید شناسیم ذکر و حقیقت چیست ؟ آن را شناسیم ،  
و این که آیا متظور از ذکر ، تنها ذکر لفظی است یا متظور

هر چیز دیگری جز ذکر لفظی است ؟ از نمونه عبارات ذکر  
خدا (ص) به اسم علی (ع) بدین شرح است (ای علی با هر چیز

است که این است تعالی آن را بخواند ، نیر بری با هر امر دینی  
در حال و شرف ، ادای حق مردم با قضاوت عادلانه و ذکر

گویا خوا در هر حال ، و متظور از ذکر ، تنها سبحان الله والحمد لله  
ولله الا الله والله أكبر نیست ، بلکه متظور این است هفتایی که

کار حرامی در مقابل عبد قرار می گیرد از خواننده عزوجل بهتر شود و آن را  
تم تک بی بود

متظور رسول خدا (ص) این نیست که این عبارت (سبحان الله  
والحمد لله ولا اله الا الله الله أكبر) جزو اذکار خواننده متعال نیست



بلکه منظور از این حدیث اشاره به آن مرتبه کامل از ذکر است نه عبودیت  
 نیز حدیثی را ما عندنا فرخویش می بیند و خود را در حضور پروردگار  
 می داند و در نتیجه معصیت پروردگار نمی کند و به بندگی خدای پر باز می  
 نیا بر این تاکید روایات بر ذکر به معنی توجه قلبی و حضور باطنی است  
 از این منظور که فرد در مرحله برتر از ذکر می باشد، این موضوع ما را بر آن  
 داشته تا از مراتب ذکر فوائد متعال سخن بنویسیم.

مراتب ذکر

ذکر مراتب زیادی دارد. از ذکر زبانی شروع می شود تا به مرحله جوانی  
 از بندگان و رسیدن به خواندن متعال می رسد و به برخی از آن ها

اشاره خواهیم نمود:

مرتبه نخست: ذکر در این مرحله اذکار مخصوصی را با توجه به  
 معانی آن به قصد قربت ادا می کند.

مرتبه دوم: (در این مرحله) اذکار را با توجه به معانی آن به قصد  
 قربت تکرار می کند.

مرتبه سوم: در این مرحله که قلب معانی اذکار را درک می کند ما عازم  
 به سمت فوائد است پس زبان را امر می کند تا به ذکر بپردازد

صرتبه چهارم: در این سرطه سالت با تمام غم و اراجه رهسپار به سوی خداوند متعال است و خوافند را حاضر و ناظر (خویشتر) می بیند

و خود را در حضور خوافند متعال می داند به هیچ چیز از فو اهر این دنیا توهم نمی کند چون او به اصل و سر منشأ کمال رسیده

و غیر از فو اهر یعنی ببیند. اصغر المؤمنین (ع) در مناجات می فرماید خود می فرماید: خواجه کمال جوابی از مفلوقات را برای

رسیدن کامل به خودت به من انزانی کن و صدیکان دل هایمان را به پر تو نگاه جو سوی خویشی روشن کن تا صدیکان دل

پرده های نور را دریده و به سر چه عظمت دست یابد و جان هایمان کوفته به شکوه قدس گردد.

مراتب کمال

حالات سالکان این مقام با یکدیگر متفاوت است. برخی از سالکان اند و برخی دیگر آهن (کامل تر) هر کدام از آن ها به حال

بیز آن که از غیر خوافند متعال قطع رابطه کنند مانوس و دل بسته خواهی ترند. پس زمانی که سالت به عظمت جمال

و کمال خوافند توهم می کند (چنین) مقامات و احوال و الای روحی برای او حاصل می گردد.

- کتم فواعضه مقال به شکر دانم  
- احساس حضور فواعضه بلند مرتبه

- انشای با هوا  
- بریدن از غیر فواعضه و رسیدن به فواعضه و تشریح هر جنبه‌های غیر از فواعضه در این مسیر

- معیت فواعضه و اشتیاق به پیروی

- ترس از فواعضه در تنهایی و خلوت

- رضایه قضا و قدر فواعضه

- مرحله‌ای که بیده کردن تنها فواعضه می‌بینند و از هر جنبه‌های غیر از فواعضه ناخن است، مگر فاعضه این مرحله را مرحله فساد در قوا می‌نامند

و این مرحله همان است که تعبیر آن را در آیات و روایات، و همچنین در ادعیه معصومین که از این معانی گهربار و جواهرات کم‌یاب

پیدا است، و تنها تعداد اندکی از مردم به عظمت آن توجه می‌کنند  
ما هوده می‌کنیم (امام علی (ع) می‌فرماید: در هیچ جنبه‌ی تظاره

نزد مردم سراسر این که خواست قبل ما بعد و همراه با آن ندیم  
از حضرت علی (ع) پرسیده شد: ای امیرالمؤمنین! آیا پسران حضرت

که حیده‌ای؟ آن حضرت (ع) فرمودند: چگونه جنبه‌های گاه که ندیم  
پرسش کنی؟ به ایشان گفته شد: چگونه او را می‌بینی؟ امیرالمؤمنین

ع) فرمودند: یعنی توان با صبره ها اولادت را درید و اما دل ما باها درست بود و خواهد رسید.

بسم الله الرحمن الرحیم

۱- پایداری به اطاعت از خوا: هر کسی به مرحله ای برسد که در آن با وجود حضور خواوند متعال راضی کند و خوبتر از آن معطر

خواوند ببیند موجب پایداری فرد به اطاعت از خواوند متعال و عمل به دستورات پروردگارش می آید.

لزام صادق (ع) منقول است: هر کسی حقیقتاً ذاکر خوا باشد پس او فرما بپرداز است و هر کسی از ذکر خوا غافل باشد پس او سرگردان است.

۲- خضوع و خشوع: همانا کسی که عظمت خواوند متعال را مشاهده کند در برابرش فروتن سر به زیر و فرما بپرداز می آید امام صادق (ع) فرماید (انتم ذکر و یاد خواوند با بناسی، برای تو فروتنی صبر و حیا و تواضع به پادشاه می آید).

۳- عشق: عشق به عبارت از دوستی از جمله آثار ذکر است و این خواوند و احساس حضور او، دل بستنی زیاد به عبارت و نیت بر من از آن است. چون کسی در عظمت خواوندت کند

و نوشتن به هر عصرش بدانند ملوک این مناجات را تضرع و توسل را به هر لذت دیگری تا جمیع می دهد.

۴- آرامش و اطمینان : همانا دنیا از به و درد و بیماری پر است و اینها از ذکر خدا دوری ترینند این مردها و بیماری ها و ترس از آن ،

آرامش و راحتی را از انسان سلب می کند . خوانند متعال می فریاد زوهر کسی از یاد من دل برتر داند هر حقیقت زنده ای تشنه و سستی

خواهد داشت اما بندگان مخلصی خوا ، که ذکر خوانند ، همان کسانی دل هایشان دل بسته معون کمال و خوبی است از دست

کامی چیزی از مال این دنیا آن ها را انوو هگین معنی کف و مضطرب معنی شوند و به همنام ترواح ببا الهی که آرامش و اطمینانند .

و کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد

۵ یاد کردن خوا از بنده اش : اگر بنده از پروردگارش یاد کند خوانند متعال نیز از او یاد خواهد کرد پس سر یاد کنید تا سال یاد کند .

و معنای یاد کردن خوا از بنده اش این است که بنده مورد رحمت و عنایت و لطف پروردگارش گردد .

از رسول خواجه (ص) نقل است: فواعظ متعال فرمود: اگر بدانم  
یا دین بر جان بنده ام صیره گفته است خواهش اول است و صوم

سؤال و سناجات با خود نم بین چون بنده ام چنین شود  
هرگاه رجوع چهار سهو و تقصیر شود مانع خفگی شود

اینان دوستان حقیقی من و همزمان از واقعی هستند اینان کسانی  
هستند که اگر رجوع کنیم زمین را به عقوبت هلاک کنیم ما نیز بفالم  
این همزمان بلای از آن ما بر می بارم.

۶ - محبت فواعظ بنده است: از جمله تاریخ ذکر و محبت فواعظ بنده  
بنده است می باشد.

از امام صادق (ع) نقل شده: کسی که بسیار به یاد خواجه باشد  
خواهد آمدند دوست می دارد.

۷ - شناخت: کسی که به یاد خواست به مقامی رسد که  
حقایق و معارف را از طریق ~~چشم~~ قلب و هم بصیرت  
می بیند.

چنان که از کتب کبریه استقامت می شود در آن مراد از سید انارشی  
شرف

ویلا صندرس

- حقیقت ذکر تنها حرکت زبان نیست بلکه توجیه قلبی معنوی باطنی است که به تحریر زبان منجر می گردد.

- ذکر مراتب متعددی دارد که از اذکار زبانی شروع می گردد تا به مرحله نیریدن از بندگان و رسیدن به وفات شدن در خداوند می رسد.

- حالت حالات متعددی دارد و هر کدام از این حالات دلیلی دارد که بدان منجر می گردد.

- این مراتب ، حالات و مقامات ، امری حقیقی و واقعی است

- ذکر آثار متعددی دارد مانند اطاعت از خوا ما فروتنی هر برابر خوا معصیت خوابه بنده امس و یا ذکر من خوا از بنده و رسیدن به راسی

# درس دوازدهم (اخلاق والاوپنذیه)

دستی پوره باید در پایان این درس :

۱- ارتباط اخلاق والاوپنذیه با سیر و سلوک را درک کند.

۲- اهمیت سود مند بودن انسان برای مردم را بفهمد.

۳- دارای روحیه خدمت به مردم گردد.

مقدم

۲) همانا تربیت فضایل و اخلاق والا در دین ما، از مهم ترین روش های تربیت تقوی و سیر و سلوک و رسیدن به مقام قرب

است. و برای فضایل اخلاقی آثار والا بی در دنیا و آخرت است. به همین دلیل آیات و روایات پر از آن ها تا کید و نذیه

است. از رسول خدا (ص) نقل شده است در ترازوی اعمال هیچ کسی در روز قیامت چیزی باقی نماند مگر آنکه از اخلاق نیکو گذاشته می شود.

۴) همین از این نقل شده است: محبوب ترین آنها

تردین و ترس تریتان به من در روز قیامت ما خوش اخلاق



تدرین شما و متعاقب ترین شما است (معصومین) (ع) پس در مورد خویشی اخلاقی به تفصیل گفته اند از امام صادق (ع) سوال شد

میز خویشی اخلاقی کدام است آن حضرت (ع) فرمودند این که نرم خویشی و سفت دلی با یکدیگر نمانند و بر آمدت را بباروش خویش ملاقات کنی ((

از اخلاق اجتماعی

همانا اخلاق نیو بسیار و متعقدند و شایسته است که اینها اهمیت دهد چون هر کدام از آن ها اثر و نتیجه های

دارد (ع) عدم توجه به آن ها منجر به محرومیت از فواید آن می گردد. بر فی از این امور اخلاقی را که نیز زندگی اجتماعی ما ضربه می

مساب می آید، شرح فواید داده چو عبادت سرانجام به نماز و روزه، و حج و زیارت و ذکر و دعا مهور و دینی گردد و در سایر

و معابد و زیارتگاه ها منتهی می شود (ع) بلکه انجام مسئولیت های اجتماعی و احسان و دوستی به بندگان فواجز موارد اخلاقی

به شمار می رود و در صورتی که با قصد قربت باشد، جزو بهترین عبادات محسوب می شود (ع) (به نفعی که می تواند وسیله ای

برای ساختن و تکمیل نفس و تمیزی به خود استفاده می کند (نردود)  
 بنا بر این سیر و سواد در اسلام با مستلزم انزوا و درون گری

۱۰

کرامتی نیست بلکه سیر و سواد می تواند در خلال قبول  
 مسئولیت های اجتماعی در میان جامعه و تعاون در شکی

و امان ، و تلاش برای رفع هوانج همگامین ، و فو ش حال  
 ساختن دل و مشین ، و دفاع از مهور و مان و مستم همان

و توجه به امور مسلمانان و به کردن نیاز های آن در حل مسکن  
 و کمک کردن به زندگان خوابا باشد و تمام این موارد در اسلام

جزو عبادت های بزرگ محسوب می شود ، و نو این آن  
 از ده حاج مقبول و صعب بهر تم است (۱۰)

۱۱ - نرم خوئی :  
 نرم خوئی صفت بزرگی است ، و بیانش رسید رحمت به قلب اند  
 است که نرم خوئی در واقع همان تو اضع و مدارا نمودن با مردم

است و این صفتی است که رسول خدا (ص) و اصحاب ایشان را  
 مقما نیز می نه جانند (مهر پیامبر خداست و کانی که با او بند بر

کاغذ آن صفت سیر و با هم سیر هم باشد) و ایشان با مومنان فزون  
 انزه خواند متعال با این آیه رسول گرامی خود را وصف کرده است

پس به (برکت) رحمت الهی با گنجان نمر مغوشی و ابر تقدیر و سعادت  
دل بودی قلع از سیرامون تو بر آنگونه می شوند

۱۲- خوشی حال کردن مومن: و این صفت چنان مهم است که اهل بیت (ع) خوشی حال کردن مومن را همان با خوشی حال کردن خود دانستند.

از امام صادق (ع) نقل است هرگاه هر کدام از شما مومنی را خوشی حال کند همان کنگنه تنها آن مومن را خوشی حال کرده بکنند و اگر دو کنگنه هم خواستند ما را خوشی حال نموده و (نه تنها امام) بکنند به خواستهم بر همان خواست (ع) را نیز خوشی حال کرده است.

زیبایترین چیزی که در این باره می بینیم، سخنان امام صادق (ع) به  
نخاستی است آن جا که می فرماید:

(ای عبدالله! بسیار مومنی را بترسانی، هانا بدیم از پدرش و از خوشی  
برای من نقل فرموده است که: هر کسی به مومنی نظر بیفتد تا آن

گاه وی را بترساند، خوا او را می ترساند) (ای عبدالله! بدیم از پدرش به نقل  
از علی (علیه السلام) به نقل از پیامبر (ص) برای مومنی چنین نقل کرده:

((جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: هر کسی بر مومنی با خوشی حال  
کند، اهل بیت پیامبرش (ع) را خوشنود ساخته و هر کسی اهل بیت

بیا میرش را فتنه سازد رسول خدا (ص) را خوش حال  
نموده و هر کسی رسول خدا (ص) را خوشی حال کند، فواید

سرمه ساخته و هر کسی فواید را بر کند، شایسته است که فواید  
وی را به جایگاه خویشی (جسست) وارد کند. (ص)

(ولی شایسته است به این موضوع توجه کنیم که خوشی حال کردن  
طلب مومن، باید با کارهای سیاح و پروا باشد. مثلا شایسته برای  
این که مومن را خوشی حال کنیم به او دروغ بنویسیم) ۱۶

۱۶

۱۳ - خوشی رفتاری دوار نمودن: و روایات بسیاری در توشیح  
به خوشی رفتاری دوار نمودن وارد شده است، از رسول

خدا (ص) نقل شده است: (دوار نمودن با مردم نمی از امان  
است، و خوشی رفتاری با آن هائیمی باز زندگی می آید)

۱۴ (عجیب) از پیامبر (ص) نقل است: (اوج فردی از اعا  
به خداوند بلند مرتبه، معتبت و یکی به مردم است)

۱۵ از امام صادق (ع) نقل شده است: (چیرش (ع) نمود پیامبر (ص)  
است و گفت: ای مهربانم، کارت به قوم می رساند

۱۷ و به قوم گوید: بایندگان من دوار این (و از امیرالمومنین (ع)  
نقل است: شما با اموالتان به مردم صدقه نمی دهید پس با

۱۸  
۱۷  
نخستین و بر خوردی نیو به آنان صوقه بد هیدر (و از ه ضررت این  
جعفره امام باقر (ع) نقل است: تمییم مرد در صورت پراثر دین

خود است و در کترین اذیت و آزار از وی (بشر) است  
خو ایا چیزی محبوب تر از خوشی حال نمودن مومن عباس است (ع)

۱۹  
(و امام صادق (ع) می فرمایند: هر کسی مومنی را خوشی حال کند  
خوشی حال کرده است و هر کسی برافوشی حال کند رسول خوال

خوشی حال کرده است و هر کسی رسول خوال خوشی حال کند  
خوال خوشی گرفته و هر کسی خوال را خوشی از د خوال  
دارد بهیست خود می کند) ۱۹

۲۰  
(۴) سخن نیو هانا فن نیو گفتن با دیگران جزو اخلاق و آلا  
و پندیده است به نهوی که روایات حسن خلق را به نیو

سخن گفتن با دیگران تفسیر کرده اند همان موره در حویث امام صادق  
(ع) بدان اشاره کرده ایم) ۲۰

۲۱  
(۵) تفسیر دیگران: و تفسیر دیگران جزو والاترین اخلاق است  
امام صادق (ع) خطاب به یکی از یاران خویش می فرمایند (ای ای خواهی

یا تو در مورد اخلاق والا و پندیده سخن بگویم؟ نفی در بیان ما  
برای هر چه در یادش در صورت (که) به هم آمده یعنی اشیا و زیاد یاد

نمین از خوا (همی) صبر و افاق و الاست (و) خوا مانند سبحان و سوتان  
را در تعدادی از آیات قرآن و در روایات و به گفتار و افعال

معصومین (ع) به داشتن این ویژگی ها است، از جمله زمانی که رسول  
خوار (ص) در حال سجده بودند که آسمان شرکان قریش بر سر

میبارت آن حضرت زباله ریختند پس آن حضرت (ص) نمازشان  
را به پایان رسانیدند و دستانشان را بر ای دما بلند کرد و فرمودند

خوایا قدم مرا بیاورزم (۱۲)

(۱۳)

۶) بر طرفه کرمین نیان مؤمنین: رسول خدا (ص) فرمود: بندگان جز  
افراد تحت تکفل خوایند پس محبوب ترین خلق نزد خدای است

که به افراد تحت تکفل خود بود برسانند و خانواده (خوای) با خویشی حال  
کنند و از ایشان (ع) نقل است: بر آمدن حاجت یک

انسان مؤمن از بیست هج ترد خوا محبوب تر است چیزی  
که در هر کدام از آن صاحبش صد هزار نفقه دهد (۱۱)

(۱۱)

و از آن حضرت (ع) نقل است: (راه رفتن انسان سلمان  
برای برطرف کردن حاجت یک مسلمان از هفتاد طرف

دو طرفه خواهد بود) و از آن حضرت (ع) نقل است: خوانند  
در بین مخلوقات خویشی زندگانی دارد که (دیگر) زندگان برای

رفع نیازهای خویشی به آن ها پناه می برند. این افراد همان افرادی  
است که در روزه قیامت در آید. (۲۴)

و روایت ها این صفت را به رحمت توصیف می کنند و این که موجب  
برطرف شدن غم و اندوه و روزه قیامت و توان شدن نیازها

در دنیای کم دند. و از امام صادق (ع) نقل است: (همین که بدهای  
برای برطرف کردن نیاز برادر مومنین تمام برمی آید، خوانند عزوجل

دو فرشته را موعظ او قرار می دهد، یکی از سمت راست و دیگری  
از سمت چپ او، دو مسدود از هوا برای او طلب که روزی

می کشند برای برطرف کردن نیازهای دنیوی (و از آن حضرت  
(ع) نقل است اگر مومنی، برادر دینی اش برای رفع حاجت

به او مراجعه کند یا در مشکلی به او پناه ببرد و در حالی که توان کمک به او  
دارد به او توجهی نکند و پناهی ندهد، معاق و لایق خواهد بود قطع

کرده است و هرگاه موافقی به نظر نباشد چیزی را که موافق دیگری  
احتیاج دارد از او منع کند تا در حالتی که توان به طرفش برسد

با خود یا از دوستان و بستایان او بدارند، خوا او را در عزت قیامت  
با چهره ای سیاه، چنانی که بود دستانی که به کف دستش بسته

شده است، محسوس می کند و در مورد او می گوید: او قاننی است  
که به خوا و پیامبرش قیامت فرزند سپید دستوری دهد، سگ که

او را در کشتی افکند (و بعد ما هوبت از رسول خدا (ص) و انچه اصهار  
رع) در این باره وارد شده است، از جمله این هوبت از امام

صادق (ع) خوانند عزول فرمود: فلاق افرادت تکفل من هتند  
سحبوب ترین بندگان نزد من کسانی هستند که با آن ها

خوشی بهم خوردت و هر رفع نیازهای آن کوشاترند (۲۸)

### امام فخری (ره) و خوست به مردم ۲۹

امام فخری (ره) خوست به مردم و تلاش برای برطرف کردن نیازهای  
مکان و اقدام سعی نمودن برای هر وسیله زدایی از میان رایی



از هم ترین وظایفی به شما می‌گویند برای همین شاید است  
برای آن به یاغیند (بلکه آن حضرت خدمت به مردم را خدمت

به حق مطلق و خواجه عالمی دارند و با وجود این که نفس انسان  
فرمانی که به نیکی کردن خدمت نمودن به مردم می‌تواند و از مانی

که در این مسیر با هدف رسید به دست‌های ذاتی ما قدرت  
و کارزاره و کسب محبوبیت بین مردم نام بر می‌خورد و به احسان

بهرتری و تفوق علقه دارد (اما امام خمینی به شدت از این  
منوارد بخی می‌کند و مردم را جزو کسانی می‌داند که شاید

منت نهادن را دارند چون آن‌ها برای دیگران زمینه تقرب الی الله و رسیدن  
به رضای الهی را فراهم نمودند (امام خمینی در رساله در نامه ای به فرزندان

می‌گوید: (ما هواره از شما خواجه‌هاست و نعمت‌هایی که پادشاهان و عاظم  
پس و حقد زیباست که از خدمت به بندگانش غافل نشویم خدمت

به بندگان، خدمت به خواجه‌هاست و نعمت‌هایی که پادشاهان و عاظم  
باز هر روز مانی که به بندگان خدا خدمت می‌کنی خدمت به بندگان

فوان آن‌ها همان‌هایی هستند که واقعا بر مردم ماحق دارند به لطف  
این که وسیله ای برای تقرب به خداوند متعال هستند و برای کسب سعادت

و محبوبیت به وسیله قومیت از برای مردم آشنایی نایب و چون این کار به  
نمایایی یکی از طناب هایی است که بسیار در مبارزات این به دام

قومیتی می آفلند و در قومیت از برای بندگان خود امام زینبی را انتخاب  
کن که بیشترین نوع را برای مردم دارد نه برای خود و نه برای دولت

و این با انتخاب نشانه دوستی در پیشگاه مقدس خود از دستورات  
است) حضرت امام زینبی قوس سره در جای دیگر می فرمایند

ای مستضعفین ما در کربلا ایمن شدیم اگر سبایتی داشته  
باشیم قومیت در برابر شما هستیم ۳۴

خلاصه نویسی

۳۵ (از حجم ترین مواردی که (انسان) در رسید به مقام قرب یاری می رساند  
تربیت نفسی به اخلاق والا و پندیده است)

ن (خوش خلقی نتایج فراوانی دارد از جمله این که ترا زوی (اعمال انسان)  
و در روز قیامت سکنین می کند) ۳۷

(سبک باید به تمام ابعاد اخلاقی، به سیره و چیزهایی که بار رفتار  
باید سیران مرتبط است، اهتمام میدون) ۳۸